

س دو شهردار

استانبول، غلامحسین کرباسچی و رجب طیب اردوغان

روبه‌رو شود. این در حالی است که به روایت آرشوروزنامه‌های ترکیه، اردوغان پس از احراز پست شهرداری استانبول، به تهران سفر کرده و درباره چند و چون خدمات به یک کلانشهر پرجمعیت، با کرباسچی رایزنی کرده و از پروژه‌های مختلف پایتخت ایران بازدید کرده است. اردوغان در دورانی به عنوان شهردار استانبول به تهران سفر کرده که مجله گل آقا؛ کاریکاتور کرباسچی را به‌عنوان شهرداری که همه جا گل می‌کارد، روی جلد چاپ می‌کرد و از دل کشتارگاه جنوب شهر، فرهنگسرای بزرگ بهمین سر برمی‌آورد. خود کرباسچی نیز نقل کرده که اردوغان نگران مسئله‌ی آب استانبول بوده و با او درباره این موضوع صحبت کرده و درباره‌ی تجارت او و همکاری‌اش در شهرداری تهران، سوالات بسیار پرسیده و از کیفیت روزنامه‌رنگی همشهری؛ توجه او را جلب کرده است. او در بازگشت به کشورش، از شهردار تهران به‌عنوان مهمان ویژه دعوت به عمل آورد و کرباسچی و همکاری‌اش، به استانبول رفتند و در آن دوران، استانبول در مقایسه با تهران، شهر توسعه‌یافته‌و شیک‌ی نبوده است.

▼ به زندان رفتن یا راه کاخ گرفتن، مسئله این است

یادآوری رویدادهای سال ۱۳۷۷ هجری شمسی و روند زندانی شدن کرباسچی، کار دشواری نیست. چراکه اطلاعات فراوانی در مورد محاکمه، حبس و مواضع مختلف مقامات سیاسی وجود دارد. نوع نگاه کرباسچی در شهرداری تهران و اردوغان در شهرداری استانبول به‌مقوله توسعه‌انیزی می‌تواند در یک چارچوب کلی ارزیابی کرد. چراکه اتفاقاً حتی مخالفین سیاسی هر دو چهره، می‌توانند دست‌کم به این واقعیت اذعان کنند که سیمای این دو شهر، در دوران این دو شهردار، به‌شکل جدی تغییر یافت. سربرآوردن فرهنگسراهای بزرگ، احداث بزرگراه‌ها و مؤسسات فرهنگی و رسانه‌ای و تحول در حمل و نقل در تهران، حل مشکل قدیمی آب آشامیدنی، توسعه حمل و نقل عمومی و مدرن و تاسیس ده‌هافضای ورزشی و فرهنگی در استانبول، نویدبخش آغاز همزمان موج نوینی از توسعه در دو کشور همسایه ایران و ترکیه بود. با این تفاوت که ایران ثروتمند و نفت‌فروش امکان‌توان بیشتری برای توسعه‌ی اقتصادی در اختیار داشت اما ترکیه، ناچار بود برای دست یافتن به توسعه‌ی بیشتر و گسترده‌تر، به مالیات و تجارت پناه ببرد.

حتی بدون توجه به این موضوع که زندانی شدن کرباسچی در تهران و به حبس رفتن اردوغان در استانبول، تا چه اندازه حقوقی و صحیح بوده، می‌توان درباره‌ی دیگر ابعاد حیات سیاسی آنها بحث کرد. مثلاً می‌توان به این موضوع پرداخت که چرا کرباسچی مدتی طولانی در زندان ماند و پس از آن هم نتوانست در ساختار قدرت، جایی دست و پا کند. اما اردوغان، یک حبس شیک و پیک روشنفکرانه کوتاه‌مدت را از سر گذراند و با یک وقفه‌ی چهارساله، به بالاترین مقام اجرایی کشور رسید.

اردوغان با حکم یک قاضی وابسته به جریان سکولار و میلیتاریست، به اتهام خواندن شعری در یک سخنرانی سیاسی، زندانی شد. او شعری با مضمون الله‌اکبر خوانده بود که از دید قاضی و ژنرال‌های همفکر آن قاضی، مضمونی در ضدیت با نظام لائیسیم -کمالیسم داشت و می‌توانست نویدبخش آغاز یک حرکت سیاسی برای تاسیس نظام «شریعت» به جای «جمهوریت» و حتی تلاش برای بازگرداندن نظام خلافت باشد!

▼ وقتی که ساختار سرنوشت‌ساز می‌شود

با توجه به ساختار حزبی نظام سیاسی جمهوری ترکیه، رشد و سربرآوردن کادرهای سیاسی، کارگزاران و تکنوکرات‌های درجه یک و مقامات بالای اجرایی، کار آسانی نیست و به استثنای برخی مقاطع خاص همچون کودتا، بایسته‌این است که رهبر سیاسی از دل نظام حزبی بیرون آید و اوج گیرد. این همان قاعده‌ی طلایی خاصی است که راه به پاراشوتیست یا چتر باز جماعت نمی‌دهد و مرور لیست نخست‌وزیران، رؤسای جمهور، وزرا و سیاستمداران ترکیه، نشان‌دهنده این است که تقریباً هیچ‌کدام از آنان با چتر و رانت ویژه بر سر دنیای سیاست و نظام اجرایی فرود نیامده و از کف، شروع کرده‌اند. در چنین ساختاری، پیروزی در رقابت‌ها و بازی‌های سیاسی و حزبی، سخت دشوار است و می‌توان فهمید که اردوغان در یک مرحله استارت و گرمساز ده ساله و یک مقطع طولانی سی‌ساله‌ی ایستادن در کانون قدرت، چه تجربیاتی را از سر گذرانده، چه رکب‌ها زده و در عین حال، چه رکب‌ها خورده است. اما در این سوی میدان، کرباسچی نیز اگرچه در ایستگاه نخست، با حمایت مستقیم کانون قدرت وارد مسیر شده ولی تجربیات و کفایت او در اصفهان و تهران، شخصیتی پرورش داده که بدون تردید نمی‌توان بر او نام چتر باز نهاد. پس چرا چنین شد؟ شاید یافتن یک پاسخ کوتاه و رسا اندکی دشوار باشد. شاید بتوان گفت: این مناسبات قدرت است که چنین وضعیتی را رقم می‌زند. اما بدون شک، چنین پاسخی، نه‌تنها کافی نیست، بلکه در صورت رخداد سناریوهای احتمالی آتی، کارساز نخواهد بود. بنابراین باید این واقعیت را به خاطر آوریم

که دست قدرتمند و عامل نجات‌بخش اردوغان، نه یک چهره و رهبر سیاسی، بلکه یک نهاد و ساختار اثرگذار بوده که برای بازی، قواعدی داشته و بدان پایبند بوده است.

توجه به تاریخ صدساله جمهوری ترکیه و رقابت‌های حزبی و سیاسی در این کشور، نشان‌دهنده این واقعیت است که نظام حزبی در ترکیه نیز مشکلاتی داشته و دارد و هیچ‌گاه قابل مقایسه با ورژن‌های موفق جهانی نبوده است. به‌عنوان مثال، در چندین بزرگراه تاریخی حساس، دو کنشگر بسیار قدرتمند «ارتش» و «قوه قضائیه»، دمار از روزگار سیاسیون درآورده‌اند. اما از کل تاریخ صدساله‌ی جمهوری ترکیه، نهایتاً بیست سال آن، تحت تاثیر مداخله ژنرال‌ها و دادستان‌ها در ساختار قدرت بوده و هشتاد سال دیگر آن، از آن اراده‌ی مردم و احزاب بوده است. اما در عین حال، معایب و نواقص آن، بسیار کمتر از آن است که بشود از ذکر فواید و مرزهای قدرت آن صرف‌نظر کرد. در چنین ساختاری است که حزب عدالت و توسعه، تبدیل به نهاد سیاسی متنفذ و قدرتمندی می‌شود که در هیئت مؤسسان آن، نه یک اردوغان، بلکه دست‌کم پنجاه اردوغان حضور دارند و در میان لیست بلند کارگزاران و بوروکرات‌های تحصیل کرده و توانمند حزب، افرادی نظیر عبدالله گل، بلنت آرنج، عبداللطیف شئرن، حیاتی یازیچی، بن علی بیلدیرم، علی باباجان و خیلی‌های دیگر، از بسیاری جهات، از اردوغان هم مستعزتر و توانمندتر هستند اما نهایتاً او را به‌عنوان ویتترین حزب برمی‌گزینند. حالا بیایید آنچه را که در این دو کشور روی داده، با یک سناریوی فرضی، خیالی و معکوس، به نحو دیگری تصور کنیم. لازم می‌دانم تاکید کنم که از اینجا به بعد، کل نکات مورد اشاره، فرضی و تخیلی خواهد بود.

سناریوی فرضی و خیالی مادر مورد سرنوشت سیاسی کرباسچی و اردوغان، می‌تواند چنین ابعادی داشته باشد:

الف) دادگاه عالی جمهوری، ضمن تجدیدنظر در مورد حکم اردوغان، پس از خاتمه‌ی دوران حبس، او را در ۷ پرونده‌ی سیاسی، مالی و امنیتی دیگر محکوم شناخت و با حکم حبس ۱۰ ساله روبه‌رو شد. نجم‌الدین اربکان نخست‌وزیر اسلامگرای ترکیه حاضر نشد در این مورد به سوالات خبرنگاران پاسخ دهد اما در یک دیدار محرمانه به معاونین خود گفته است: «حمایت از اردوغان به صلاح نیست. حالاً فعلاً بماند ببینیم چه می‌شود. دادستان کل اعلام کرده که جای پیگیری ندارد. ظاهراً چند تن از ژنرال‌ها هم از او اوعصابی هستند. با این حساسیتی که به‌وجود آمده، جای کار وجود ندارد. کار خاصی نمی‌توان کرد». اردوغان با حکم جدید تا سال ۲۰۰۸ میلادی

در زندان می‌ماند در حزب فضیلت اربکان، اختلاف و انشعاب روی نمی‌دهد. اما این حزب در رقابت با احزاب مسعود ییلماز، بلنت اجویت و تانسو چیلدر شکست خورده و در انتخابات سال ۲۰۰۲ میلادی، خانم چیلدر با کسب اکثریت آراء نخست‌وزیر می‌شود.

ب) هاشمی‌رفسنجانی، قبل از آغاز هجمه‌های جدی، به کرباسچی پیام می‌دهد که با قوه قضائیه وارد مذاکره و مصالحه شده و امیدوار است که مشکل حل شود. اما چیزی که اهمیت فوق‌العاده دارد، این است که خود را برای انتخابات آماده کند. هاشمی تاکید می‌کند که خدمات کرباسچی در اصفهان و تهران، کارنامه‌ی مهمی است که شانس او را در برابر نامزدهایی همچون خاتمی و ناطق‌نوری، بالاتر خواهد برد.

ج) خاتمی در انتخابات پیروز شده و به پاستور رفته است. اما هاشمی و خاتمی، با حمایت جدی از کرباسچی، مانع از زندانی شدن او شده و پس از آنکه آب‌ها از آسیاب افتادند، او را با حکم معاونت ریاست جمهوری به عضویت کابینه‌ی خاتمی درمی‌آورد. شواهد نشان می‌دهد که خاتمی تمایلی به دور دوم ریاست جمهوری ندارد و تصور می‌کند کرباسچی می‌تواند رئیس‌جمهور موفقی باشد. او در سال ۸۰ عملاً در میدان رقابت حضور پیدا نمی‌کند. پس از انتخاب کرباسچی به‌عنوان رئیس‌جمهور، خاتمی مختیر است از بین گزینه‌های ریاست مجمع تشخیص مصلحت، ریاست فرهنگستان علوم یا فعالیت دانشگاهی و یا تاسیس یک نهاد عالی پرورش رجال سیاسی، یکی را برگزیند.

بختل با خواندن هر کدام از بندهای الف تا جیم، لبخندی بر لبان‌تان شکل بسته و چراغ پر فروغ زهی خیال باطل، در ذهن‌تان پرتوافکن شده است. به شما حق می‌دهم، چرا که در هر سه سناریو، موضوعات مهمی همچون رویکرد خاص قوه قضائیه، نگرش بخش‌های دیگر حاکمیت و نقش رهبری، لحاظ نشده است. از این گذشته، جایگاه بسیار حیاتی و سرنوشت‌ساز شورای نگهبان نیز خارج از شمولیت این فرضیات خیالی مانده است. بنابراین در یک ارزیابی کلی، چیزی که می‌تواند کل این سناریوها را تغییر دهد، اصلاح ساختار سیاسی، التزام حاکمیت به حرکت به سمت ساختار حزبی و پایبندی به قواعد خاص بازی و رقابت آزاد است.

غایت چنین نوشتاری، طرح این موضوع نیست که مثلاً اگر کرباسچی پس از خاتمی یا حتی پیش از او رئیس‌جمهور می‌شد، بدون شک می‌توانست بهتر از خاتمی یا خلف او عمل کند. هیچ تضمین و پیش‌بینی قاطعانه‌ای نداریم که به ما بگوید آیا کرباسچی در پست ریاست جمهوری، دموکرات می‌بود یا تکرو و تمامیت‌خواه، آیا تواضع پیشه‌می‌کرد یا تفرعن، آیا می‌توانست بهتر از ثرم سیاسی و اجرایی اردوغان عمل کند یا بتر از او. اما می‌توانیم درباره‌ی این موضوع قاطعانه نظر دهیم که اول اینکه، ساختارهای سیاسی و حزبی، در تعیین مسیر سرنوشت سیاسی افراد و جوامع، نقش مهم و حیاتی دارند. دوم اینکه در صورت عدم اصلاح ساختار سیاسی و بی‌اعتنایی به اهمیت پرورش سیاستمداران در نهاد حزب، باید همواره منتظر آس‌های معدود، تک‌ستاره‌های نادر الظهور و قهرمانان خیالی، در خشخش کوتاه‌مدت آنان و در نهایت، شلیک به زانوان‌شان باشیم! سوم اینکه رجال سیاسی و انسان‌های خوش‌فکر و توانمندی در این کشور بوده‌اند و هستند که به خاطر فقدان ساختار حزبی، در گوشه‌های قنوت می‌شوند و از دور، حضور جنجالی و پرسروصدای چتربازان عالم سیاست در ایران و تبعات ندانم‌کاری‌های آنان را نظاره می‌کنند و او می‌کشند.



سیاستمداران



بررسی جنایت خیابان الرشید غزه

شورای امنیت سازمان ملل نشست می‌محرمانه برای بررسی جنایت اشفالگران در حمله به صف دریافت‌کنندگان کمک در غزه، برگزار کرد. این نشست به درخواست الجزایر به‌عنوان عضو غیردائم شورای امنیت و پشت‌درهای بسته برگزار شد تا حمله روز پنجشنبه به مردمی که برای دریافت کمک‌های بشردوستانه در خیابان الرشید غزه تجمع کرده بودند را بررسی کند. برگزاری این نشست در حالی است که کشورهای عربستان سعودی، مصر و اردن در بیانیه‌های خود بی‌نتیجه بودن نشست‌های شورای امنیت را یکی از عوامل تشدید حملات اسرائیل در غزه دانستند. حمله تانک‌های ارتش اسرائیل به سمت مردمی که در میدان «التالبلیسی» در خیابان الرشید، برای دریافت کمک از کامیون حامل مواد غذایی تجمع کرده بودند، حداقل ۱۰۹ شهید و ۷۶۰ زخمی به جا گذاشته است. در این راستا دیده‌بان حقوق بشر اروپا امیدوارانه نیز گزارش داد که این جنایت را مستندسازی کرده است.



همکاری لندن با سرپرست حکومت طالبان

کاردار سفارت انگلیس در کابل اظهار داشت که لندن به روابط نیکو با کابل علاقه‌مند و آماده است برای ثبات و رفاه افغانستان با سرپرست حکومت طالبان همکاری کند. رابرت چترتون دیکنس در دیدار با معاون سیاسی نخست‌وزیر سرپرست حکومت طالبان درباره نشست سازمان ملل متحد درباره وضعیت افغانستان به میزبانی آنتونیو گوترش، دبیرکل این سازمان در دوحه پایتخت قطر گفت: «حضور نداشتن سرپرست حکومت طالبان در نشست دوحه برخلاف انتظار بود». وی برگزاری اینگونه نشست‌ها را بهترین فرصت برای بازسازی و اتصال افغانستان با کشورهای جهان دانست و ابراز امیدواری کرد که طالبان در نشست‌های آینده شرکت کنند. دیکنس افزود: «در نشست دوحه، اجماع تمام شرکت‌کنندگان بر افغانستان امن، ایجاد حکومت فراگیر و برداشته شدن محدودیت‌های این کشور بود.» معاون سیاسی نخست‌وزیر حکومت سرپرست طالبان نیز در این دیدار درباره نشست اخیر دوحه گفت: «در نشست‌ها و اجلاس‌های بین‌المللی، تنها سرپرست حکومت طالبان می‌تواند نماینده افغانستان باشد.»



تصویب قطعنامه کمک به اوکراین

نمایندگان پارلمان اروپا با تصویب یک قطعنامه از کشورهای اروپایی خواستند تسلیحات مورد نیاز اوکراین را در اختیار این کشور قرار دهند. براساس گزارش رسانه‌های اروپایی، این قطعنامه که با ۴۵۱ رای مثبت، ۴۶ رای منفی و ۴۹ رای ممتنع به تصویب رسید، به بررسی دو سال جنگ اوکراین از فوریه ۲۰۲۲ تا به امروز پرداخته است. در این قطعنامه آمده است: برای پیروزی کی‌یف در جنگ، نباید هیچ محدودیت خودخواسته‌ای برای کمک‌های نظامی به اوکراین وجود داشته باشد و پارلمان اروپا بر لزوم ارائه هر آنچه که برای بازپس‌گیری کنترل کامل بر قلمرو به رسمیت شناخته‌شده اوکراین در سطح بین‌المللی لازم است، تاکید می‌کند. نمایندگان اروپایی همچنین خواستار سرمایه‌گذاری در صنایع دفاعی و نظامی مورد نیاز برای تامین نیازهای ارتش اوکراین و پر کردن ذخایر خالی‌شده کشورهای اروپایی شدند. در این قطعنامه بر تولید و تامین سیستم‌های دفاع هوایی، موشک‌های دوربرد مانند موشک تائوروس انواع مختلف توپخانه و مهمات به‌ویژه توپ ۱۵۵ میلی‌متری و پهپادها تاکید کردند.